

روش شناسی گفت و گوی ادیان در قرآن و سنت

صدیقه حمیدی^۱ سعید ارجمندفر^۲

چکیده

پژوهش حاضر در راستای اخذ شیوه‌های مقبول گفت و گو از قرآن، سیره نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام در گفت و گوی مؤثر و سازنده با پیروان سایر ادیان و رسیدن به یک همزیستی مسالمت‌آمیز با آنهاست. در این پژوهش روش قرآن در تعامل دینی در دو بخش روش گفت و گو و تعامل با پیروان سایر ادیان مطرح می‌شود که گفت و گو بر محور مشترکات، مجادله احسن، رعایت عدالت، احترام به پیمان‌ها و قرار دادها، احسان و تألیف قلوب از جمله این روش‌هاست. سپس شیوه‌های گفت و گو در سیره نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام در مواجهه با پیروان سایر ادیان بررسی می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت و گو، بحث، مناظره، نامه و پیمان‌های بسیاری با غیر مسلمانان داشت و اهتمام آن بزرگوار به رابطه دوستانه و مسالمت‌آمیز با دیگر ادیان نشان می‌دهد که آن حضرت همواره از جنگ، خون‌ریزی و منازعه‌های بی‌مورد گریزان بوده و منطق گفت و گو را بر هر امر دیگری مقدم می‌دانست. سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بر منطق گفت و گو مبتنی بود. گفت و گو با پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، داشتن سعه صدر و تحمل شنیدن دیدگاه‌های مخالف و احترام به حقوق اقلیت‌ها از ویژگی‌های بارز امامان معصوم علیهم‌السلام بود. همچنین موارد بسیار زیاد گفت و گو و مناظره با رهبران دیگر ادیان بهترین دلیل بر اهمیت و جایگاه گفت و گو در سیره ایشان است.

واژگان کلیدی: قرآن، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امامان معصوم علیهم‌السلام، گفت و گوی ادیان.

۱. مقدمه

از زمانی که اسلام در کنار دیگر ادیان بزرگ آسمانی مثل یهودیت و مسیحیت رشد خود را آغاز کرد برای دفاع و تبیین اصول عقایدی خود وارد مباحثات، مناظرات و گفت و گوهای سازنده با پیروان ادیان دیگر شد. قرآن کریم نخستین سنگ بنای برخورد‌های مستدل را با اهل کتاب پایه ریزی کرد و با ارائه چهره صحیحی از حضرت عیسی علیه‌السلام و حضرت مریم علیها‌السلام و توجه به یکتاپرستی و توحید مواد اصلی گفت و گو بین ادیان را با مسیحیت در اختیار مؤمنان قرار داد. گذشته از آیات الهی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام هم در برابر اهل کتاب به صورت مناظره، احتجاج و گفت و گو از حقایق دین اسلام و تبیین واقعی معارف مسلمانان دفاع کردند. آنها به

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

۲. عضو هیئت علمی گروه علمی - تربیتی کلام و مذاهب اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

تناسب فضای فرهنگی عصر خود حلقه های مناظره و گفت و گورا با صاحبان عقاید مختلف بازمی کردند و با آنها بحث و استدلال می کردند. ایشان با توجه به تعالیم والای اسلام و تأکید بر عقل و منطق به جای تعصب و افراط پیشرو بحث، مناظره و گفت و گو با دیگران بودند و هرگز در این راه از منطق عقل و ادب فراتر نرفتند و همواره این اصل را به دیگران نیز گوشزد می کردند.

امروزه گفتمان بین ادیان از ضرورت های نوینی است که به شکل امروزی و در ادامه مناظرات و مباحثات بین ادیانی باید به آن توجه شود و باید با تبیین عقاید دینی و رفع شبهات و نیز با رفع موانع موجود بین ادیان، جبهه ای علمی و فرهنگی واحد در مقابل لائیسزم و بی دینی گشود. در این میان لازمه یک گفت و گوی مؤثر و سازنده بهره گیری از شیوه های صحیح گفت و گو است که اندیشمندان دینی می توانند با تأسی از قرآن و سنت، الگوی واحدی را در گفت و گوها پیش گیرند. بنابراین، روش شناسی گفت و گوی ادیان در قرآن و سنت و اخذ شیوه های مقبول از آن گام مؤثری برای گفت و گوی واقعی میان مسلمانان با پیروان ادیان است که در این مقاله به آن اشاره می شود.

۲. روش قرآن در تعامل دینی

اسلام شرایط نیل به همزیستی مسالمت آمیز بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان را مطرح کرده است و با فراهم کردن زمینه همزیستی مسالمت آمیز بین ادیان الهی درصدد ساختن جامعه ای خالی از عداوت و سرشار از اتحاد و دوستی است. قرآن کریم دستورات و قوانینی دارد که براساس آنها مسلمانان باید به پیروان اهل کتاب احترام بگذارند و حقوق آنها را بدهند. روش قرآن در تعامل با سایر ادیان را می توان در دو محور بیان کرد: روش تعامل با پیروان ادیان و روش گفت و گوی ادیان.

۲-۱. روش گفت و گوی ادیان از منظر قرآن

قرآن با بیان اصول و مقررات ویژه ای با پیروان ادیان گفت و گو کرده است و آن را زمینه ساز رسیدن به زندگی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان معرفی می کند. کاربرد مؤلفه های قرآنی در هم زیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان می تواند نویدبخش زندگی سالم و به دور از تجاوز نسبت به حقوق یکدیگر باشد.

۲-۱-۱. گفت و گو بر محور مشترکات

هرگاه دو نفر، دو گروه یا دو مذهب با هم جمع شوند و اشتراکات خود را مشخص کنند و نقاط هم سو را نیز مطرح کنند راه رسیدن به تفاهم هموارتر می شود. خداوند در آیه ای به اهل

کتاب خطاب می‌کند که به مشترکات اعتقادی بین خود و مسلمانان توجه کنند تا به وحدت نظر برسند.

ای اهل کتاب بیایید از کلمه حقی که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم و آن اینکه به جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی با او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت نگیریم. (آل عمران: ۶۴)

این آیه از آیات بسیار مهم در دعوت اهل کتاب به سوی وحدت برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. قرآن به این وسیله به مسلمانان می‌گوید که اگر در تمام اهداف نتوانستید یکسان عمل کنید، ناامید نشوید و بکوشید دست‌کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲/۵۹۴) اسلام باور به کتاب‌ها و پیامبران پیشین را شرط درستی ایمان پیروان خود دانسته است و کتاب‌های مقدس قبلی را معتبر می‌داند.

و به دنبال آنها (پیامبران پیشین) عیسی بن مریم علیه السلام را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود، تصدیق داشت و انجیل را به او دادیم که در آن هدایت و نور بود و تورات را که قبل از آن بود تصدیق می‌کرد و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود. (مائده: ۴۶)

پس چون قرآن مورد تصدیق ادیان الهی است و همه کتب آسمانی مصدق یکدیگر هستند موجبی برای اختلاف نیست.

۲-۱-۲. مجادله احسن

از نکات قابل توجه در قرآن نحوه گفت‌وگو بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان الهی است. قرآن همگان را به انتخاب بهترین شیوه گفت‌وگو با پیروان اهل کتاب دعوت می‌کند و می‌فرماید: «با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است، گفت‌وگو نکنید» (عنکبوت: ۴۶). براساس این آیه دعوت به راه خداشناسی و دین باید براساس منطق و گفتار نیک باشد تا نتیجه دهد؛ زیرا با این روش امید به ایجاد تفاهم و هم‌دلی بیشتر است. در این آیه منظور این است که با آنها با ملایمت، نرمی و مدارا رفتار شود. در برابر خشونت، نرمش و در برابر غضب، بردباری و مقابل شتابزدگی، آرامش و تأنی نشان داده شود. به طور دقیق معنای محاوره و گفت‌وگو بین عقاید، یعنی جدال یا جدل و مجادله در قرآن مجید کلمه دینی است و معادل آن را جدل منطقی ارسطو گرفتن اشتباه است؛ زیرا جدال در قرآن هم شامل برهان، هم شامل جدل و هم شامل خطابه می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). صاحب تفسیر المیزان

مجادله‌ای را درست می‌داند که با درشت‌خویی، طعنه و اهانت همراه نباشد و با نرمی و سازش همراه باشد و خصم را آزار ندهد. دیگر اینکه مجادله‌کننده با طرف مقابل قرابت فکری داشته باشد و هر دو به روشن شدن حق علاقه مند باشند و با کمک یکدیگر حق را آشکار کنند و لجاجت و عناد به خرج ندهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶/۱۳۷).

۲-۱-۳. رعایت ادب گفتاری

حسن برخورد و ادب از ارزش‌های زندگی دینی مسلمانان است. خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات و ارزش‌های غیر مسلمانان نهی می‌کند و متذکر می‌شود که پیامد چنین کاری چیزی جز بی‌احترامی به اعتقادات مسلمانان نخواهد بود. قرآن به پیروان خود دستور می‌دهد با کسانی که خدا را نمی‌پذیرند به گونه‌ای رفتار نکنید که با نادانی به خدای متعال دشنام دهند. «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آنها نیز از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند» (انعام: ۱۰۸). قرآن رعایت اصول ادب را در گفتار نسبت به ادیان لازم می‌داند به‌ویژه اگر هدف، برقراری ارتباط بین المللی برای دعوت به پیروی از خداوند و رعایت عدالت در مورد مظلومان و محرومان باشد.

۲-۱-۴. برخورد منطقی

با برخورد منطقی می‌توان دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل کرد. قرآن به پیامبر ﷺ توصیه می‌کند: «خوبی و بدی یکسان نیست. همواره به گونه‌ای که خوب‌تر است مباحثه کن تا کسی که میان تو و او دشمن است چون دوست مهربان شود» (فصلت: ۳۴). این گونه مؤمنان را ملزم می‌کند از تعبیر نیکو استفاده کنند، خوش اخلاق و خوش‌رو باشند و از کلمات مستهجن و تحریک‌آمیز پرهیز کنند؛ زیرا این رفتار کدورت و دشمنی را افزایش می‌دهد و این شیوه بر دیگران اثر خوشایندی ندارد.

۲-۱-۵. برخورداری از روحیه حق‌طلبی

ایجاد روحیه حق‌طلبی سبب دست‌یابی به حق و نجات از کژفهمی و انحرافات می‌شود. انسان زمانی می‌تواند به حق پی‌برد که بدون هیچ‌تعصب و پیش‌داوری با افکار و اندیشه‌های مختلف روبه‌رو شود و دلایل هر یک را بررسی کند تا بهترین آنها را بشناسد و بپذیرد. اگر فردی با ذهنیت خاص با مطلبی روبه‌رو شود، نمی‌تواند درستی و نادرستی آن را تشخیص دهد در نتیجه به مطلوب خود که همان پی‌بردن به حق است، نخواهد رسید. قرآن می‌فرماید: «همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند آنها کسانی هستند که

خدا هدایتشان کرده و آنها خردمنداند» (زمر: ۱۸). علامه طباطبایی از این آیه دو نوع هدایت برداشت کرده است: هدایت اجمالی و هدایت تفصیلی، سپس هدایت اجمالی را همین روحیه حق‌پذیری دانسته و می‌فرماید: «با این روحیه می‌توان به هدایت تفصیلی که فهم کلیه معارف الهی است دست یافت» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷/۲۵۰)

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواهد با مشرکان گفت‌وگو کند قرآن به ایشان دستور می‌دهد که بگو: «ما یا شما بر طریق هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم» (سبا: ۲۴). براساس این آیه طرفین گفت‌وگو باید در پی حق جویی باشند و نتیجه حق را هر چه باشد، بپذیرند. البته مراد این نیست که گفت‌وگوکننده نیز پیش فرض نداشته باشد بلکه هدف آن است که نتیجه از قبل قطعی نباشد، یعنی نتیجه باید در حین گفت‌وگو مشخص شود؛ زیرا اگر از همان ابتدا پیش فرضی مطرح شود که طرف مقابل آن را نپذیرد، طبیعی است که این گفت‌وگو بی‌ثمر می‌ماند.

۲-۲. روش تعامل با پیروان ادیان از منظر قرآن

قرآن کریم به موقعیت و جایگاه پیروان ادیان توحیدی در میان جامعه مسلمانان اندیشیده و به مسلمانان هشدار داده است که در ارتباطات اجتماعی با اهل کتاب مبدا آنها را از صحنه و روابط کنار بزنند و به این وسیله دستوراتی را تجویز کرده است که رعایت آنها به بهبود روابط مسلمانان و پیروان اهل کتاب کمک می‌کند و زمینه رشد و تکامل انسان‌ها و جامعه فراهم می‌شود. بنابراین، همه ادیان توحیدی مانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل هستند و باید نقاط اشتراک خود را در خشان تر و نقاط افتراق را در سایه اشتراک محو کنند

۲-۱. رعایت عدالت

رعایت عدالت تنها به زندگی اجتماعی بین مسلمانان محدود نیست بلکه همه آنها موظف هستند که با غیر مسلمانان که به آنها ستم نکرده‌اند با عدالت رفتار کنند. «خدا شمارا از نیکی کردن و رعایت عدالت نسب به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند» (ممتحنه: ۸). همچنین قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که هر چند می‌تواند داوری بین متخاصمان غیر مسلمان را نپذیرد، ولی اگر پذیرفت باید بین آنها نیز به عدالت رفتار کند.

پس اگر نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنها بگردان و چنانچه از آنها روی بگردانی هرگز زبانی به تو نرسانند و اگر حکم کردی، پس به عدالت میان آنها حکم کن. (مائده: ۴۲)

عدالت از منظر اسلام از اصول بنیادی در روابط اجتماعی مسالمت‌آمیز است که حتی دشمنی‌ها و عداوت نمی‌تواند بهانه‌ای برای عبور از آن باشد. قرآن با اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «دشمنی با جمعیتی شما را به ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است» (مائده: ۸).

۲-۲-۲. احترام به پیمان‌ها و قراردادها

قرآن مسلمانان را به پایبندی به قراردادها و توافق‌های به عمل آمده با غیر مسلمانان در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و... فرامی‌خواند و تأکید می‌کند تا هنگامی که آنها به نقض پیمان‌ها مبادرت نکرده‌اند مسلمانان باید به آن پایبند باشند. «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (توبه: ۷). همچنین می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا؛ هرگاه از سوی مشرکان میلی به هم‌زیستی صادقانه باشد شما نیز بپذیرید» (انفال: ۶۱). قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمان‌های خود وفا کنید» (مائده: ۱). بنابراین، مسلمانان که خود را مؤمن می‌دانند باید همواره به عهد و پیمان‌هایشان وفادار باشند به‌ویژه در مقابل اهل کتاب تا به این وسیله آنها بیاموزند که دین اسلام دین حق، وفاداری، عدالت و اهتمام به وظایف است. واژه عقود هم شامل عهدهای فردی و بین دو نفری است و هم شامل عهدهای اجتماعی، بین قبیله‌ای، قومی و امتی. از نظر اسلام وفای به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عهدهای فردی است؛ زیرا عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بلایی عمومی‌تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵/۱۵۹).

۲-۲-۳. دلجویی و تألیف قلوب

از قوانین زیبای اسلام که در ایجاد فضای همدلی و هم‌زیستی با غیر مسلمانان تأثیر زیادی دارد سهم بخشی از زکات است که به نیازمندان غیر مسلمان اختصاص دارد. برابر این سهم لازم است مسلمانان برای جلب محبت غیر مسلمانان آنها را از نظر اقتصادی حمایت کنند و برای آنها فرصت تألیف قلوب را فراهم کنند. قرآن می‌فرماید:

همانا زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای جمع‌آوری آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای آزادی بردگان و ادای دین بدهکاران و در راه خدا و واماندگان در راه، این یک فریضه الهی است و خداوند دانا و حکیم است. (توبه: ۶۰)

۲-۲-۴. نیکی کردن

نیکی کردن به شهروندان غیر مسلمان از دیگر توصیه‌های اسلام به مسلمانان است که

نباید حتی در شرایط غیر عادی از آن غفلت شود. قرآن می فرماید: «خداوند شما را از نیکی کردن نسب به کسانی که در امر دین با شما ننجکیدند و از دیارتان شما را نرانند، نهی نمی کند» (ممتحنه: ۸). احسان نشانه فضیلت روح، جوان مردی و بزرگواری و یکی از قوی ترین ابزارهای ایجاد دوستی و دوری از منازعات اجتماعی است. جالب تر آنکه قرآن به پیروان خود می آموزد که حتی می توان در برابر رفتار ناشایست دیگران با رفتاری نیکو پاسخ داد. قرآن می فرماید: «بدی را با بهترین رفتار خود پاسخ گو باش و بدی ها را با رفتار بهتر خود از خود بران» (مؤمنون: ۹۷). در آیه دیگر می فرماید:

دفع از بدی ها و دشمنی ها باید با بهترین رفتارها باشد. نتیجه این خواهد شد که میان شما و دشمنانتان عواطفی جایگزین خواهد شد که گویی بهترین دوستان و بستگان هستید. (فصلت: ۳۴)

۳. روش پیامبر ﷺ در تعاملات دینی

پیامبر اکرم ﷺ همواره طرفدار گفت و گوی مسالمت آمیز بود و حتی وقتی بر کل شبهه جزیره مسلط شد باز هم از این روش دست نکشید و دیدارهایی با پیروان دیگر ادیان داشت و نامه هایی نیز به آنان نوشت. در حکومت آن حضرت اصل بر گفت و گو بود و برخلاف برخی تبلیغات غرب جنگ همیشه آخرین گزینه ایشان بود. از مجموع گفت و گوها، دیدارها، پیمان ها و نامه های پیامبر ﷺ با دیگر ادیان به خوبی می توان دریافت که ایشان در اوج قدرت خود همواره بر صلح تأکید داشت و حتی اگر مخالفان حاضر به پذیرش اسلام نمی شدند او تلاش می کرد با گرفتن جزیه صلح را برقرار کند و تا حد ممکن از جنگ بپرهیزد. ایشان حتی در زمان جنگ با کفار هم اصل را بر گفت و گو قرار می داد و سپس دستور جنگ را صادر می کرد.

۳-۱. لین بودن در گفت و گو

قرآن در آیه ۴۴ سوره طه راه پندگرفتن و تأثیر پذیرفتن افراد را استفاده از سخنان و کلمات ملایم و لین می داند و خطاب به موسی و برادرش هارون می فرماید: «به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است و با او سخنی نرم گوید تا پند پذیرد یا بترسد» (طه: ۴۳). این امر در سیره عملی پیامبر ﷺ نیز راه یافته است. در روایت آمده است که آن حضرت ﷺ وقتی برخی اصحاب خود را برای تبلیغ دین به جایی می فرستاد به آنها توصیه می کرد که بر مردم آسان بگیرند و سخت گیری نکنند و آنها را بشارت خیر دهند و خطاب به طفیل بن عمر دوسی که از وی برای راهنمایی قومش کمک طلبید، فرمود: «آنان را به اسلام دعوت کن و با آنان رفق و

مدرا پیشه کن» (ابن هشام، ۲۰۰۰، ۳۸۴/۱) حضرت در جای دیگر فرمود: «خدایم مرا به مدارا و ملایمت با مردم فرمان داد، چنان که مرا به انجام واجبات امر کرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۷/۲). پیامبر ﷺ باب گفت و گورا به روی همگان گشود و جدال به احسن را پایه گذاشت و به پیروان ادیان فرصت داد بیندیشند تا با دین، خود را از تحریف بپیرایند و حق را با باطل نپوشانند و به آیات خدا کفر نوززند. خداوند در قرآن می فرماید:

ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کفر می ورزید با آنکه خود به درستی آن گواهی می دهید؟ ای اهل کتاب چرا حق را به باطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید با اینکه خود می دانید. (آل عمران: ۷۰-۷۱)

۳-۲. احترام و سعه صدر

گفت و گو جریان دوسویه است و زمانی پدید می آید که فرد گفت و گوکننده به موجودیت طرف مقابل احترام بگذارد و ارتباط و گفت و گو را در فضایی آرام، بدون تنش و همراه با صبر و سعه صدر ارائه دهد. در غیر این صورت ارتباط ها و گفت و گوها به جای دوطرفه بودن یک طرفه می شود و هدف از آن محقق نمی شود. پیامبر اکرم ﷺ بالاترین مرتبه سعه صدر را داشت و با سعه صدر، ادب و احترام در برابر مخالفان فکری و بیگانگان قرار می گرفت. پیامبر ﷺ توانست در فضای شرک آلود جاهلیت عرب انسان های بسیاری را به سوی آموزه های حیات بخش اسلام جذب کند و این ها به دلیل برخورد های شایسته ای بود که آن حضرت به ویژه در گفت و گوها و مناظرات اعتقادی از خود نشان می داد. پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام با کافران، مشرکان و علمای یهود و نصارا ساعت ها بحث و گفت و گو می کردند و با احترام به هويت طرف مقابل اندیشه و باورهای غلط آنها را تصحیح می کردند.

دایره احترام و دوستی در گفت و گوهای معصومین علیهم السلام تا آنجاست که در گفت و گو با کافران و مشرکان از تعبیراتی مانند یا ابا اهل مصر، یا ابا اهل الشام (کلینی، ۱۴۰۷، ۷۳/۱) استفاده می کردند. این تعبیر نشان دهنده حاکم بودن روح اخوت و برادری بر گفت و گوهای اسلامی است. در زمان پیامبر ﷺ افراد مختلف از هر دین و ملتی بدون ترس و وحشت پرسش هایی می کردند و ایشان با آغوش باز از آنها استقبال می کرد و با کمال عطف و به آنها پاسخ می داد. از پیامبر ﷺ گاهی پرسش هایی می شد که به بعضی از آنها در قرآن هم اشاره شده است. این پرسش ها از مسائل مختلف و از طرف افراد گوناگون و بیشتر از سوی غیر مسلمان ها بود. آنچه در قرآن آمده است بخش کوچکی از سؤال هایی است که از پیامبر ﷺ شده است و برخی دیگر در کتاب های روایی و تاریخی آمده است.

در جریان دیدار پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران در مدینه پیامبر ﷺ وقتی دید گفت و گو ثمری ندارد آنان را به مباحله دعوت کرد. (ر.ک.، آل عمران: ۶۱) ایشان با اینکه علم به حقانیت خود داشت و با دلیل محکم آنها را هم مجاب کرده بود بدون اینکه بگوید ما بر حقیق و شما بر باطل بیاید تا مباحله کنیم و بر شما معلوم کنیم تنها به صورت کلی فرمود: «لعنت را بر دروغ گویان قرار دهیم» (آل عمران: ۶۱).

۳-۳. برقراری ارتباط براساس صلح

اصل صلح در گسترش مکتب اسلام نقش بسیاری داشته است. با توجه به داشتن پویایی، جامعیت و اتقان عقلی دین اسلام معارف حیات بخش آن جز در سایه صلح و آرامش قابل فهم و گسترش نیست؛ زیرا شواهد موجود تاریخی این ادعا را به زیبایی به تصویر می کشد. پیامبر ﷺ با اولین پیمان نامه صلح حدیبیه زمینه درک معارف، گسترش، تبلیغ، ارتباط و تعامل اسلام با جهان را فراهم کرد و پس از این صلح و به وجود آمدن آرامش نسبی حضرت با ارسال نامه هایی به سران برخی دولت های جهان آنها را به اسلام دعوت کرد. دعوت به اسلام یک تکلیف الهی است، ولی با نبود امنیت کامل یا نسبی و ایجاد تعامل و دعوت تأثیر زیادی نداشت. در متن دعوت نامه های حضرت به آیین اسلام کلماتی مانند اسلم تسلیم، یعنی اسلام را بپذیر تا ایمن بمانی آمده است. این گزاره بلند در نامه های حضرت زمانی موضوعیت و معنا دارد که خود گوینده در اوج امنیت و صلح خواهی باشد. بنابراین، این نامه های صلح جویانه حضرت پاسخی محکم به مدعیانی است که اسلام را دین شمشیر معرفی می کنند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱)

اصل اولیه در اسلام برای ارتباط با ملل غیر اسلامی براساس صلح و زندگی مسالمت آمیز است. اسلام برای تحقق و گسترش صلح میان ملت ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه، ملت ها و دولت های دیگر را به انعقاد پیمان های صلح دعوت می کند. آیات متعددی بر این نکته تأکید دارند. برای خداوند در آیه ۶۱ سوره انفال می فرماید: «اگر تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح در آی و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست». در آیه دیگر می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در صلح و آشتی در آید» (بقره: ۲۰۸).

۳-۴. وفا کردن به پیمان های بین المللی

یکی از اصول حکومت اسلامی در روابط با سایر دولت ها اصل وفا و تعهد به پیمان هاست. براساس این اصل فرد مسلمان و دولت اسلامی وظیفه دارد نسبت به تمام پیمان هایی که با دیگران و جوامع منعقد کرده است تا زمانی که مدت آن به پایان نرسیده، ملتزم باشد و

هیچ‌گونه خدعه و نیرنگی به کار نیندد. معاهده در حوزه سیاست از اساسی‌ترین اصولی است که کشورهای اسلامی تحت هیچ شرایطی حق برهم زدن آن را ندارند مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. خداوند می‌فرماید: «به عهد‌ها وفا کنید» (اسراء: ۳۴). در جای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمان‌هایی که بسته‌اید، پایبند باشید» (مائده: ۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در ایام حکومتش پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بست و تا آخر به پیمان‌های خود پایبند ماند مگر اینکه مخالفان آن را نقض کردند. با گسترش اسلام به سرزمین‌های جدید مردمانی به دین قبلی خود وفادار می‌ماندند. سران این اقلیت‌ها به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و درباره آینده زندگی خود رایزنی می‌کردند که نتیجه آن مذاکرات به صورت قرارداد و عهدنامه ثبت می‌شد. در این پیمان‌نامه‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متعهد می‌شد که حرمت آنان را پاس دارد. ایشان در دوران حکومتش عهدنامه‌های مختلفی با منکران خود منعقد کرد که به موجب مفاد این عهدنامه‌ها حکومت اسلامی در مقابل دریافت مالیات ویژه از اهل کتاب، خود را ملتزم به رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی و امنیت اقلیت‌های مذهبی می‌کرد. یکی از این معاهده‌ها قرارداد پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران است. در این عهدنامه آمده است:

به موجب این عهدنامه حضرت محمد صلی الله علیه و آله ملتزم می‌شود که جان، مال، اراضی، عقاید و معابد مسیحیان از هرگونه گزند مصون خواهد ماند و هیچ‌گونه تحمیل و یا تحقیری به آنان روا نخواهد شد و نیز اراضی آنها به وسیله لشکریان اشغال نخواهد شد. مادامی که اهالی نجران به این پیمان وفادار بمانند هیچ نیرویی متعرض آنان نخواهد بود. (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۹)

۳-۵. احترام به باورهای مشترک دینی

آغاز گفت‌وگو از نقاط مورد اتفاق که بحث را بر زمینه مشترکی متمرکز کند اهمیت زیادی دارد. اگر وجوه مشترک پایه گفت‌وگو باشد، می‌تواند روح تفاهم و نزدیکی را بین دو طرف برقرار کند. در این صورت این نوع گفت‌وگوها می‌تواند اختلاف‌ها را به عامل پویایی و زاینده‌گی تبدیل کند. به همین دلیل در قرآن و مناظرات معصومین علیهم السلام به جنبه‌های مشترک اسلام و دیگر فرهنگ‌ها و ادیان توجه شده است. اعتقاد به خدای یگانه، کتب آسمانی و پیامبران الهی، برخی مناسک، عبادات و فضائل انسانی از وجوه مشترکی است که ادیان و فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر نزدیک می‌کند و زمینه مفاهمه و تعامل آنها را فراهم

می‌کند. قرآن کریم با توجه به این وجوه مشترک پیروان دیگر ادیان الهی را به شاهره هدایت و پیروی از خدای واحد فراخوانده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد، پس اگر از این پیشنهاد اعراض کردند، بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانیم. (آل عمران: ۶۴)

این آیه پایه و اساس گفت و گو و شیوه بر خورد با اهل کتاب را روشن می‌کند و آشکارا موضوع برابر را که همان عبادت خدا باشد مبنای تعامل میان جماعات دینی بر می‌شمرد و از بیان نقاط اختلاف می‌پرهیزد و به جنبه‌های مورد اتفاق اشاره می‌کند. در این آیه با لحنی ملایم و آرام و به دور از هر گونه خشونت و تحمیل از پیروان ادیان الهی خواسته شده است به سوی خداوند روی آورند و جز او را نپرستند. علاوه بر این در نامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توجه به اعتقادات مشترک به وضوح دیده می‌شود. برای نمونه در نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به نجاشی پادشاه حبشه آمده است: «شهادت می‌دهم که عیسی علیه السلام پسر مریم علیها السلام روح خدا و کلمه او است که آن را به مریم علیها السلام القا کرد». در این نامه علاوه بر اینکه به اعتقادات مشترک طرفین اشاره شده است تصحیح عقاید نجاشی نیز آمده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه به هرقل پادشاه روم و مقوقس فرمانروای قبط پس از دعوت آنها به اسلام آیه ۶۴ سوره آل عمران را یاد آور شده است و از آنان خواسته است به سوی کلمه ای روی آورند که میان مسلمانان و آنها مشترک است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ابلاغ پیام در پایان نامه اتمام حجت می‌کند و از آنها می‌خواهد ندای اسلام و نصیحت او را بشنوند که در غیر این صورت گناه پیروانشان نیز بر گردن آنها خواهد بود. در نامه دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله به اسقفی به نام ضغاطر به قدر مشترک میان پیامبران و ادیان و فرهنگ‌های الهی اشاره شده و آمده است:

سلام بر هر کس که ایمان آورده است. عیسی بن مریم علیها السلام روح خدا و کلمه او است که به مریم علیها السلام القا کرد. من به خدا و آنچه بر ما نازل شده است و آنچه بر ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام و اسباط علیه السلام فرود آمده است و به آنچه بر موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و دیگر پیامبران از سوی پروردگارشان وحی شده است ایمان دارم. میان پیامبران فرقی نمی‌گذارم و تسلیم خداوندم و سلام بر هر کس پیرو هدایت است. (احمدی، بی تا، ۱/۱۷۰)

۳-۶. دعوت به اسلام و گفت و گو با حفظ احترام

رسول خدا ﷺ در طول دوره رسالتش گفت و گو، بحث، مناظره، نامه و پیمان‌های بسیاری با رهبران سایر ادیان داشت. مواردی مانند اهتمام آن بزرگوار به رابطه دوستانه و مسالمت‌آمیز با دیگران، اعتقاد به زندگی صلح‌آمیز امت اسلامی با دیگر ادیان، تأکید ایشان بر مدارا با ساکنان مناطق مورد جنگ و امان نامه معروف ایشان به مسیحیان درباره آزادی‌های دینی و مدنی خود مهمترین گواه بر صلح طلب بودن پیامبر ﷺ است و خود نشان می‌دهد که آن حضرت همواره از جنگ، خون‌ریزی و منازعات بی‌مورد گریزان بوده است و منطق گفت‌وگو را بر هر امر دیگر مقدم می‌داشته است. دعوت ایشان به اسلام و گفت و گو با سایر ادیان همواره با حفظ احترام و به دور از اهانت و خشونت صورت می‌گرفت که می‌توان در سه محور دیدارها، پیمان‌ها و نامه‌ها از آنها نام برد.

۳-۶-۱. دیدار

پیامبر اسلام ﷺ در طول زندگی دیدارهای مختلفی با پیروان ادیان داشته است. نمونه‌هایی از این دیدارها در تاریخ گزارش شده است. موارد ذیل به مهمترین دیدارهای پیامبر با نمایندگان و پیروان آیین‌های پنج‌گانه یهود، مسیحیت، طبیعت پرستان، دوگانه پرستان و مشرکان عرب در شهر مدینه اشاره دارد.

- دیدار پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران.
- دیدار پیامبر ﷺ با مسیحیان در مکه.
- دیدار پیامبر ﷺ با عداس مسیحی در منطقه طائف.
- دیدار پیامبر ﷺ در سال ششم هجری با جارود بن عمرو بن حنش از قبیله بنی عبدالمطلب.
- دیدار پیامبر ﷺ با طی پسر حاتم طایی معروف و حاکم و رئیس قبیله عدی.

۳-۶-۲. پیمان

یکی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز پیامبر ﷺ نوشتن پیمان و قرارداد بود. مثلاً منشور مدینه سند سیاسی پیامبر ﷺ در اوایل هجرت به یثرب تهیه شده است و به تأیید یا قانون اساسی مدینه صحیفه النبی مهاجر و انصار و دیگر شهروندان این شهر رسید و به عنوان خوانده می‌شود. محتوای صحیفه به گونه‌ای است که ضمن ایجاد حقوق و تکالیف شهروندی و وحدت سیاسی امنیتی را برای شهروندان امضاکننده در قلمرو جغرافیای دولت پیامبر ﷺ فراهم کرده است. همچنین نوعی استقلال فرهنگی-اجتماعی و خودمختاری داخلی برای قبایل شهر منظور کرده است. (احمد العلی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶) در سیره پیامبر اسلام ﷺ احترام به ادیان و اهل

کتاب به‌ویژه مسیحیت در برخورد با پیروان ادیان آسمانی الگویی برای همه مسلمانان است. پیامبر اسلام ﷺ به شکل‌های مختلف پیروان انبیای الهی را احترام و تفقد می‌کرد. آنها نیز پیمان با اهل کتاب را به عنوان اصول اجتماعی دین معرفی کردند و در اولین فرصت دستور دادند پیمانی تدوین کنند که رابطه دوستانه و مسالمت‌آمیز بین مسیحیان با پیروان دیگر ادیان آسمانی در مفاد قانون اساسی دولت پیامبر اکرم ﷺ در منشور مدینه گنجانده شود. همچنین پیمانی در روز سوم ماه محرم سال دوم هجری در موضوع رابطه مسلمانان با مسیحیان در مسجد النبی از سوی پیامبر ﷺ انشا شد که حضرت علی علیه السلام آن را نوشت و سپس پیامبر ﷺ آن را مهر کرد.

۳-۶-۳. نامه

پیامبر ﷺ هم زمان شش نفر را که هر یک به زبان مخاطب مسلط بودند به امپراطوری فارس و روم، پادشاهان حبشه و مصر و حارث بن ابی شمر غسانی، حاکم تخوم شام و حاکم یمامه فرستاد و از این طریق برای رساندن پیام اسلام به جهان اقدام کرد از جمله:

- نامه پیامبر ﷺ به نجاشی حاکم حبشه؛
- نامه پیامبر ﷺ به هراکلیوس قیصر روم؛
- نامه پیامبر ﷺ به اسقف ضاطر اسقف اعظم روم و قسطنطنیه؛
- نامه پیامبر ﷺ به جریح بن مینا مقوقس فرماندار اسکندریه مصر از جانب هراکلیوس قیصر روم؛
- نامه پیامبر ﷺ به حارث بن ابی شمر غسانی حاکم تخوم شام که تحت حمایت هراکلیوس بود؛
- نامه پیامبر ﷺ به حاکم عمان جیفر و عبدالفرزدان جلندی مسیحی؛
- نامه پیامبر ﷺ به ابی حارث به علقمه اسقف اعظم نجران و سایر اسقفان و کاهنان؛
- نامه پیامبر ﷺ به یحنه - یوحنا بن روبه - حاکم مسیحی شهر آیله؛
- نامه پیامبر ﷺ به اکیدر بن عبدالملک مسیحی حاکم دومه الجندل؛
- نامه پیامبر ﷺ به فروه بن عمرو بن نافرہ جذامی نماینده روم در معان که در کشور اردن است.

۴. روش ائمه معصومین علیهم السلام در تعاملات دینی

پس از پیامبر ﷺ ائمه علیهم السلام که معدن علم و موضع رسالت بودند پاسخ‌گوی پرسش‌کنندگان بودند و آنها را با کمال عطف و سعه صدر می‌پذیرفتند و بر تندگی‌ها و خشونت‌ها و حتی

توهین بعضی سؤال‌کنندگان و یا جاهلانه بودن برخی پرسش‌ها صبر و تحمل داشتند. بخشی از کتاب‌های حدیثی احتجاجات این بزرگواران را ثبت کرده‌اند. شیخ طوسی رحمته کتابی مخصوص احتجاج نوشته است. یک جلد از بحار/الانوار مخصوص همین باب است و در کتاب‌هایی مانند/اصول کافی این احتجاجات دیده می‌شود. به طور کلی دانشمندان ملل مختلف که بعضی از آنها دهری و مادی مسلک و بعضی یهودی، مسیحی، زرتشتی، صائبی و حتی بعضی بت پرست بودند با ائمه علیهم السلام مواجه و مناظره داشتند که ذکر همه آنها در این نوشتار نمی‌گنجد و برای مطالعه باید به کتب معرفی شده مراجعه کرد. در این میان موضوع مهم این است که شناخت اصول حاکم بر گفت و گو و تعامل با دیگر ادیان در سیره معصومین علیهم السلام الگو و راهبرد مناسبی برای گفت و گوهای فعلی پیروان آنها در عصر حاضر است ضمن اینکه با اجرای روش ائمه علیهم السلام در گفتمان های دینی می‌توان در معرفی اسلام به جهان موفق تر عمل کرد.

۴-۱. رعایت ادب و اخلاق اسلامی

اهل بیت علیهم السلام در برخورد با پیروان سایر ادیان همواره ادب و اخلاق اسلامی را رعایت می‌کردند و رعایت آن را از دیگر مسلمانان پیروان خود نیز می‌خواستند. ائمه علیهم السلام معتقد بودند که پذیرش اسلام امری اعتقادی است که نباید در آن از زور و شمشیر استفاده کرد و باید بر پایه عشق و علاقه باشد. آنها همیشه تأکید داشتند که بر مبنای اصول اخلاقی اسلام با پیروان سایر ادیان رفتار کنند، پس به دور از نگاه متعصبانه دینی و نژادی بر احترام به دیگران و پرهیز از کاربرد الفاظ زشت، ناسزا و تهمت تأکید می‌کردند و همواره با الفاظ محترمانه از تباط برقرار می‌کردند و می‌کوشیدند در گفت و گوها فضای دوستی را حاکم کنند. (طاهری آکردی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶) در دیداری که میان اسقف اعظم مسیحیان با امام محمد باقر علیه السلام انجام شد او از امام پرسید که مسلمان هستید یا مسیحی؟ امام علیه السلام فرمود مسلمان. وی سپس پرسید از عالمان و دانشمندان هستید یا از نادانان؟ حضرت می‌توانست آشکارا خود را از دانشمندان معرفی کند، ولی با تواضع فرمود از نادانان نیستم. همین تواضع ایشان باعث شد که پس از پاسخ گویی به پرسش‌های اسقف مسیحی او تعجب کند که امام علیه السلام با داشتن چنین علمی خود را دانشمند معرفی نکرد. به همین دلیل شیفته امام علیه السلام شد. (پیشوایی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹)

۴-۲. استفاده از مباحث علمی و عقلی

یکی از اصول سیره معصومان علیهم السلام نگاه عالمانه به مسائل است. آنها همواره در مناظرات

علمی شرکت داشتند و هرگز از این مباحث گریزان نبودند. شرکت در کنفرانس‌های علمی و پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که عالمان دینی ادیان دیگر مطرح می‌کردند از مواردی است که دلالت بر اهمیت نگاه علمی به بحث دارد. لازمه این امر مهم تسلط علمی بر مسائل است. انسان نمی‌تواند بدون آگاهی کامل درباره موضوعی با دیگران گفت‌وگو کند و انجام چنین کاری بی‌نتیجه است و هیچ دستاوردی ندارد. معصومان علیهم‌السلام به این نکته آگاهی داشتند و همواره بر نشست‌های علمی تأکید داشتند و خود از شرکت‌کنندگان در چنین جلسه‌هایی بودند. (طاهری آکردی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹)

۲-۴-۱. مناظره علمی امام علی علیه‌السلام با جاثلیق بزرگ مسیحی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
در این بحث جاثلیق پرسش‌های گوناگونی مطرح کرد و امام علی علیه‌السلام به همه آن موارد پاسخ داد و جاثلیق نیز هدایایی را به امام علیه‌السلام تحویل داد. (طبرسی، ۱۴۱۶، ۴۸۴/۱)

۲-۴-۲. مناظره امام کاظم علیه‌السلام با مسیحیان

امام کاظم علیه‌السلام با افرادی مانند راهب مسیحی، بریهه مسیحی، مردی مسیحی که سی سال در پی حقیقت بود و زن و مرد راهبی که از نجران آمده بودند نیز گفت‌وگو داشت. در نهایت نیز همگی از تسلط علمی امام علیه‌السلام حیرت کردند و شیفته امام شدند. (طبرسی، ۱۴۱۶، ۴۸۴/۱)

۲-۴-۳. مناظره امام رضا علیه‌السلام با بزرگان کیش‌های مختلف

امام رضا علیه‌السلام افرادی مانند جاثلیق بزرگ مسیحی، رأس الجالوت بزرگ یهودیان، سران صائبین ستاره پرست، هربد اکبر بزرگ زرتشتیان فارس پیروان زرتشت، نسطاس رومی، متکلمین و جمعی از دانشمندان که مأمون آنها را جمع کرده بود تا با امام رضا علیه‌السلام گفت‌وگو کنند را با استفاده از روش علمی و استدلال شکست داد و همه شرکت‌کنندگان در برابر امام علیه‌السلام اظهار ناتوانی کردند. (صدوق، ۱۳۷۸، ۱۴۴/۱) این مثال‌ها نشان می‌دهد که در گفت‌وگو میان اسلام و سایر ادیان، مناظرات علمی که قصد شناخت دقیق‌تر طرفین از یکدیگر باشد راه‌گشای بسیاری از مشکلات موجود در جهان است.

۲-۴-۳. استناد به منابع مورد اعتماد مخاطب

یکی از اصول ثمربخش گفت‌وگو که در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز وجود داشت توجه به این نکته است که در گفت‌وگو باید به کلام، کتاب و منابعی استناد شود که مخاطب هم آن را بپذیرد. اگر کسی چیزی بگوید و مخاطب چیز دیگری و منبع یکدیگر را قبول نداشته باشند این گفت‌وگو هرگز به سر انجام نمی‌رسد و مانند بسیاری از مباحث و گفت‌وگوهای سیاسی بی‌ثمر باقی می‌ماند. معصومین علیهم‌السلام در گفت‌وگوهایشان همواره بر این نکته تأکید داشتند

طاهری آکردی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶) مانند موارد زیر:

- وقتی مأمون امام رضا علیه السلام را برای مناظره علمی با سران ادیان دعوت کرد به نوفلی گفت:

می ترسی مغلوب شوم، ولی می روم و با مسیحی با انجیلشان و با یهودی با توراتشان و با صائبی ها با آیین عبرانیشان و با هر بدان با آیین پارسی شان و با رومیان به زبان رومیان بحث می کنم تا مأمون بفهمد که خلافت را به ناحق غضب کرده است. ایشان فردای آن روز همین کار را کرد. (صدوق، ۱۳۷۸، ۱/۱۴۴)

- امام رضا علیه السلام در همین مجلس هنگامی که جاثلیق از او شاهد خواست و گفت اگر معتقدی عیسی علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله بشارت داده است دو شاهد از مسیحیان بیاور؛ حضرت علیه السلام فرمود: «یوحنا دیلمی چطور است؟ جاثلیق گفت او بهترین فرد و مورد وثوق عیسی بن مریم علیه السلام بود، یعنی به کسی استناد کرد که جاثلیق هم او را قبول داشت» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱/۱۴۴).

- استناد امام رضا علیه السلام در همان جلسه به کتاب اشعیا که هم مورد قبول جاثلیق مسیحی بود و هم مورد پذیرش رأس الجالوت یهودی بود. (صدوق، ۱۳۷۸، ۱/۱۴۴)

۴-۴. عشق و محبت به تمام مردم

حضرت علی علیه السلام در نامه رسمی و حکومتی خود به فرماندارش مالک اشتر وی را علاوه بر رعایت اصل قانون و حقوق مردم و عدالت به محبت و عطوفت قلبی به همه مردم اعم از مسلمان و کافر سفارش می کند و می فرماید: «اشعر قلبک الرّحمة و المحبّة لهم و اللفّ بهم و لا تکون علیهم سبعا ضاریا تغتنم اکلهم فانهم صنفان. اما اَخ لک او نظیر لک فی الخلق».

ای مالک قلب را از رحم و محبت و لطف به مردم آکنده کهن و مبادا چون گرگ فرصت طلبانه حقوق آنان را پایمال کنی؛ زیرا مردم دو قسم اند: یا مسلمان و برادر دینی تو هستند و یا غیر مسلمان، یعنی اهل کتاب یا کافر که در آفرینش مانند تو هستند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴-۵. احترام به حقوق اقلیتها

احترام به قوانین و مقررات ادیان دیگر و به رسمیت شناختن آنها یکی دیگر از اصول حقوقی اسلام است. یکی از راهکارهای مهم برای هم زیستی مسالمت آمیز نزدائمه علیهم السلام قاعده مدارا با پیروان سایر ادیان در دو جهت دینی و اجتماعی است. در این میان امیرالمؤمنین علی علیه السلام که موفق به تشکیل حکومت شد همواره به حقوق اهل کتاب اهمیت داد و با الگوگیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه و پیاده کردن آیات قرآنی و دستورات الهی در نحوه ارتباط با اهل کتاب دیدگاه خود را در زمینه اهل کتاب تنظیم می کرد. ایشان به کارگزار حکومت خود فرمود:

واخفض للرعيه جناحك و ابسط لهم و جهك و لا يبأس الضعفاء من عدلك.
پرو بالت را برابر رعیت بگستران با مردم گشاده روی و فروتن باش تا زورمندان
در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نشوند. (نهج البلاغه، نامه ۶۴)

در جامعه تحت حکومت امام علی علیه السلام افراد غیر مسلمان در قلمرو حکومت اسلامی هیچ گاه
بیگانه و خارجی و اجنبی شمرده نمی شدند. عنوان بیگانه در فقه و حقوق اسلامی جای
خود را به عنوان ذمه و هم پیمان داد که به صورت انسانی تر و باشکوه تری جلوه می کرد و
چون قرارداد متحد به طور دو جانبه و اختیاری منعقد می شد روح وحدت و هماهنگی و پیوند
معنوی که از اراده و اختیار سرچشمه می گرفت بر روابط مسلمین با متحدینشان سایه ای از
عطوفت، عدل و انصاف این منشور ماندگار امام علیه السلام بود که گستره مخاطبانش اقلیت های
دینی، یعنی الناس کلهم احرار می گستراند شامل می شد.

۴-۵-۱. نمونه های تاریخی سیره امام علی علیه السلام در برخورد با اقلیت ها

اول. تأسف بر مظلومیت غیر مسلمان

شهر انبار یکی از مناطق تحت حکومت امام علی علیه السلام بود که مردم آن مسلمان و یهودی
بودند. جمعی از لشکریان معاویه به آن دستبرد زدند و زیورآلات برخی از زنان از جمله یک
زن یهودی را به یغما بردند. حضرت از شنیدن این خبر چنان اندوهناک شد که فرمود: «اگر
مسلمانی از شنیدن خبر غارت یک زن یهودی که تحت حمایت حکومت اسلامی است، بمیرد پیش
من نه تنها سزاوار ملامت نیست که شایسته تکریم و اجر است» (نهج البلاغه، خطبه ۹۵).

دوم. رعایت عدالت

امام علی علیه السلام تأکید داشت همان گونه که یک حاکم یا قاضی عادل باید به حقوق مسلمانان
رسیدگی کند در قبال اهل کتابی نیز موظف است در احقاق آنها دقت کند تا مظلوم واقع
نشوند. در جریان گم شدن زره امام علیه السلام و یافتن آن نزدیک مسیحی هر دو برای دادخواهی
نزد قاضی رفتند و امام علیه السلام قاضی را به رعایت عدالت دستور داد و اما چون امام شاهی بر
مدعای خویش نداشت قاضی به نفع آن مسیحی رأی داد و امام علیه السلام به رأی قاضی رضایت
داد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹۸/۹) این شیوه دادخواهی آن حضرت از یک مسیحی و چگونگی
دادرسی در حضور محکمه و قاضی نکات بسیار مهمی در زمینه حمایت از حقوق مدنی اهل
ذمه را در بردارد.

سوم. حق بازنشستگی

در روایت آمده است:

امام علی علیه السلام در راه به پیرمرد فقیری برخورد. حضرت درباره وضع او از یارانش پرسید، حضرت فرمود او مسیحی است. امام علیه السلام با خشم و تندی فرمود شما در ایام جوانی از او استفاده کردید، یعنی او نیز مانند سایرین در ایام جوانی خود به این سرزمین خدمت کرد تا اینکه به پیری و ناتوانی رسیده است. آیا سزاوار است که او را به حال خود واگذارید؟ همان جا حضرت دستور داد از بیت المال به او معاش و حقوق پرداخت کند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۹/۱)

چهارم. حق مصاحبت

در روایت آمده است:

حضرت در راه کوفه با یک یهودی همسفر شد. مقداری به کوفه مانده بود که یهودی راه دیگری را پیش گرفت. حضرت نیز در پی او رفت. آن شخص از حضرت پرسید پس چرا با من می‌آیی؟ حضرت فرمود: دین ما دستوری دارد که چون به خاطر مصاحبت بر ما حق رفاقت پیدا کردی. ایشان فرمود مرد از این اخلاق نیک و دستور کریمانه شگفت زده شد، اما باید تو را مقداری بدرقه و همراهی کنم وقتی فهمید این همسفر همان امام و شخصیت اول مسلمانان است، اسلام آورد. (کلینی، ۱۳۶۹، ۶۷۹/۲)

۵. نتیجه‌گیری

اسلام در میان سایر ادیان به اصل رویارویی های دینی توجه ویژه‌ای داشت و گفت‌وگوی واجد شرایط نه تنها تأیید شده است بلکه ضرورت کاربرد آن در بسیاری از آیات قرآن مطرح شده است. قرآن در برخی آیات به دوستی با پیروان سایر ادیان و احترام به آنان سفارش می‌کند و در برخی آیات شیوه‌های گفت‌وگو و جدال احسن با رهبران ادیان را مطرح می‌کند. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز همواره بر منطق گفت‌وگو و مدارا بوده است و این امر مهم را برگرفته از عقلانیت دین خود می‌دانند. رأفت اسلامی، مناظرات علمی، داشتن سعه صدر و تحمل مخالف، احترام متقابل، آزادی بیان برای دیگران، گفت‌وگو به قصد کشف حقیقت و ... از مواردی است که در سیره نبوی و معصومین علیهم السلام به روشنی دیده می‌شود. امروزه بسط دیانت و معنویت در کنار لزوم آفت زدایی از دین بسیاری از اندیشمندان را به کوشش برای ساماندهی و هم‌گرایی ادیان مختلف برانگیخته است.

کاربرد شیوه‌های مقبول کلامی توسط پیشگامان این عرصه از دیگر ضرورت‌های پیش‌رو است تا با رعایت اصل قرآنی مبنی بر حکمت، موعظه نیکو و جدال احسن راه‌های گفت‌وگو برای رویارویی با سایر اندیشه‌های دینی با تکیه بر معارف درونی خود را فراهم کرده است تا زمینه‌های ورود موفق به این عرصه از طریق شناسایی، بررسی و تحلیل روش‌ها و کیفیت رویارویی اسوه‌های معصوم علیهم‌السلام و کامل مکتب اسلام و الگوگیری از آنها در حوزه گفت‌وگوهای دینی فراهم شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه
۱. ابن هشام، عبدالملک (۲۰۰۰). *السیره النبویه*. بیروت: دار الفکر.
 ۲. احمد‌العلی، صالح (۱۳۸۱). *دولت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*. مترجم: انصاری، هادی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 ۳. احمدی، حسین (بی‌تا). *مکاتب الرسول*. بیروت: دار صعب.
 ۴. احمدی، محمد قاسم (۱۳۹۰). *روابط خارجی در حکومت دینی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۵. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۰). *سیره پیشوایان*. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۷. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۶). *گفتگوی بین‌ادیان از منظر قرآن و اسلام*. کنگره بزرگداشت پروفیسور عبدالجواد فلاطوری. گفت‌وگوی ادیان. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت پروفیسور عبدالجواد فلاطوری. دانشگاه اصفهان. (دی ماه ۱۳۷۵). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). *مبانی حکومت اسلامی*. قم: توحید.
 ۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. تهران: جهان.
 ۱۰. طاهری آکردی، محمد حسین (۱۳۸۷). *پیشینه تاریخی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۲. طبرسی، ابی‌منصور احمد بن علی (۱۴۱۶). *الاحتجاج*. تهران: اسوه.
 ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). *اصول الکافی*. مترجم: مصطفوی. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
 ۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.